

دو سند تاریخی

از مبارزات شیخ فضل الله نوری

بسم الله الرحمن الرحيم

وقایع انقلاب مشروطه در عین آنکه شاید بیش از هر دوره ای از تاریخ این مرز و بوم خطابه و مقاله و کتاب بخود اختصاص داده است (که انبوهی از آنها بدست چاپ سپرده شده و بسیاری هنوز بشکل دست نویس باقی مانده و چه بسا آثاری که نه هیچ گاه بدست چاپ داده شده و نه هرگز داده خواهد شد) اما اگر از سرتأمل نظر کنیم هنوز چیزی بنام تاریخ مشروطیت که آینه تمام نمای این دوران لغزنده تاریخ ماست در دست نداریم.

ولذا چه بسا حقوقی که پایمال شد و باطلی که محقق جلوه داده شد، و امروز از آن جز نامی و خاطره ای چیزی در دست نیست، و شاید بزرگترین بزرگواری که شاهد مثال قول بالاست شهید شیخ فضل الله نوری است که در راه مشروطه مشروعه پایمردی کرد و فراتر از نام و ننگ جان خود را نیز در این راه گذاشت.

همراه با امید روزی که این برگ از تاریخ وقایع این ملت را هر چه روشن تر در مقابل چشم خود داشته باشیم، دو لوح از الواحی را که هنگام اقامت اعتراض آمیز شهید شیخ فضل الله نوری و یارانش در حضرت عبدالعظیم نسبت به انحرافات که در جریان انقلاب مشروطیت مشاهده می کرد، توسط ایشان منتشر شده در ذیل آورده میشود لوح اول در واقع نامه ای است که از طرف دو تن از مراجع نجف در پشتیبانی از مرحوم شهید حاج شیخ فضل الله نوری به مجلس فرستاده شد. ^۱ لوح دوم نامه ای است که مرحوم حاج شیخ محمد علی رستم آبادی معروف به حاج آخوند

۱ - حاج شیخ محمد علی فرزند ملا عزیز رستم آبادی مشهور به حاج آخوند عالمی متقی و فاضلی جلیل القدر بود که در سال ۱۲۵۰ هجری قمری متولد و در سال ۱۳۳۲ دارفانی را وداع و در رستم آباد شمیران به خاک سپرده شد. اعلام انشیه ص ۱۴۸۰.

یکی از یاران شهید شیخ فضل الله نوری در جواب یکی از فضلاء نجف نوشته اند. که بست نشینان، این جواب را انتشار داده اند، و نظر به اینکه جو غالب را علیه این شهید بزرگوار و یاران شریعت خواه او مشوب کرده بودند لذا دستشان از روزنامه های زمان کوتاه بوده، از این روی این الواح را که اسنادی گویا و دال بر حقایقیت شهید شیخ فضل الله است، بوسیله چاپ خانه ای که خود تهیه کرده بودند و در حضرت عبدالعظیم قرار داشت بچاپ می رسانیدند.

میرزای شیرازی را متهم کرده به دروغ گوئی، شیخ فضل الله را این قدر فحش داده، جرمش (شیخ فضل الله) بیچاره چه بود؟ جرم شیخ فضل الله این بود که می گفت قانون باید اسلامی باشد، جرم شیخ فضل الله این بود که (می گفت) احکام قصاص غیر انسانی نیست، انسانی است، او را دازدند و ازین بردند و شما (جبهه ملی) حالا دارید به اوید گوئی می کنید.

قسمتی از بیانات حضرت امام امت (در باره جبهه ملی و روزنامه آنها) ۶۰/۳/۲۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بسم تبارک و تعالی

حضرت مگراف حضرت نجی الاسلام و المسلمین کنی المذوق الذی بقای آفریننده کلام فرامانی و آفای آنگار
بیدانه نازدانی ذاته طویحات که مکارن صابرت و اعلی از خط عراق عرب با معانی آن نوز که در سینه
فی الوقت نزه جناب اعلی رئیس مجلس فرستاده شده بعد هر چه مطالبه امر آنکه در جمیع جوانی ازین مگراف فرستاده
در مجلس مضمون مذکور منتشر و دادند کلام کین شنبه مذکور

ازین اشرف توفیق جناب بقره الاسلام نوری است بر کاتب مجلس محترم شورای فی شنبه
ارکانه شریفه بیدانه که بموجب اخبار واصله در نظامه اساسی معین و عاقبت بر او سپاسیده و خواهان ازین
بروقت با شریعت مطهره ملاحظه اند از اینست که ما از ملاحظه ملاحظه است این اساس است و چون نماند و هر
بجان نامه عربت این موقع را برای نشر زنده و احوال بیشتر و این اساس قیوم را بدنام نموده لازم است از
امید دیگر در دفع این نماند و اجساد احکام الهیه بر آنجا و عدم شیوع حکمات معین شود تا چون شرفی
نیز مخصوصه بر مجلس محترم شریف در وقت نماز یا در مجلس اشکالی مترکه نشود انشاء الله تعالی

اعضای عالی کلام المرحومانی و مخرجه استقلاله ذی اتم جادی اولی

این و بقره الاسلام احوال الله تعالی ایام افغانها تا چنین صورتی شده اند که فصل و اثر بر نظارت و مراقبت
نوعیه از جدول چندین در هر سه مرتبه معین و معین مخصوصه که کلام نشر نموده اند قبول مجلس و معین
شده است لهذا مگراف اذیل شرف و معین نشر نموده اند و معین با استقام در جلوگیری از معین از معین
الی بوم الهیه هستند و معین دیگر خواسته اند که احوال ملاحظه نماید بی نهایت آسایشی در جای آورده و در نتیجه
خودشان را در فرجه هرگز نگذارند و نگذارند و از لازم است عموم نمایان معین مگراف آن که در
قرانت کنند مقام محواری و پاسداری ایشان از شیوع نبوی و حقه اهل بیت مجلس محترم که نشاء خابرت الهیه
بیت ممد است مستخدمند اگر چه صورت مگراف مطابق تاریخ و ملاحظه مگراف و ملاحظه مگراف و ملاحظه مگراف
بجز در روز که هم شرف جادی انانیت است معین نموده در صورت که ملاحظه مگراف مگراف مگراف مگراف مگراف مگراف

اینان است بقره است مستخدمند و اول شده بر کس خواهد زیارت میستواند نمود و مجلس ازین مستخدمند
(در زمانه حضرت محمد سلیم طبع است)

خطبه روز چهارم حضرت عبدالعظیم در جای نشانی

مژده خدای عزوجل بکلی از فضای مملکت مجتهدان کبری که بی باک و کریمند و بهر چه از این جهت استقامت از اسلام و
 انانیت با روی پدید آمدن اهل امامت که هرگز کار خود را در دنیا ضایع نینمایند و باطل را خلاصانه با مجلس خود را از ایشان
 لهذا اشاره و از آن حضرت منظم بفرموده است

عرض میسوزم

ای کفر و کفر منسوب به خود که در میان مملکت اهل ایمان خود رسیده و از طریق اهل انبیا علیه السلام و از طریق
 کفر با امام خود و در زمان غیر خود و از این جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 اسلام را در همه جا تیره کرده و در این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 زشتی را بصورت و در وقت و در این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 ملک و دولت را از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 و این مملکت را از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 مطروقت و از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 اسلام را از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 علیه السلام و از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 مملکت از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 مددنامه از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 و در این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 میان مملکت از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 در این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 هر چه از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 منبع و مدد از این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 برای مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 از مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت
 در این مملکت از آن جهت که در این مملکت از آن جهت که در این مملکت

بسمه تبارک و تعالی

صورت تلگراف حضرت حجتی الاسلام و المسلمین کهنی الملة و الدين آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقای آقا شیخ عبدالله مازندرانی مڈالله ظللا لهماست، که مقارن مهاجرت داعی از خط عراق عرب بامضاء آن دو بزرگوار رسید و فی الوقت نزد جناب اجل رئیس مجلس فرستاده شد و بعد هر چه مطالبه و مراقبه کردیم نه جوابی ازین تلگراف عرضه داشتند و نه در مجلس، موضوع مذاکره قرار دادند، کان لم یکن شیئاً مذکوراً.

اتجف اشرف

توسط جناب حجة الاسلام نوری دامت برکاته

مجلس محترم شورای ملی شیدالله تعالی ارکانه

ماده شرطه ابدیه که بموجب اخبار واصله در نظامنامه اساسی درج و قانونیت موا د سیاسیة و نحوها من الشرعیات را بموافقت با شریعت مطهره منوط نموده اند از اهم مواد لازمه و حافظ اسلامیت این اساس است و چون زنادقه عصر بگمان فاسد حریت این موقع را برای نشر زندقه والحاد مفتتم و این اساس قویم را بدنام نموده لازم است ماده ابدیه دیگر در دفع این زنادقه و اجراء احکام الهیه عز اسمہ بر آنها و عدم شیوع منکرات درج شود تا بچون الله تعالی نتیجه مقصوده بر مجلس محترم مترتب و فرق ضاله مأیوس و اشکالی متولد نشود انشاء الله تعالی.
الأخقر الجانی محمد کاظم الخراسانی، الأخقر عبدالله المازندرانی (مستتم جمادی الأولى)

این دو حجة الاسلام اطال الله تعالی ایام افاضاتهما چنین تصور فرموده اند که فصلی دایر بر نظارت و مراقبت هیئت نوعیه از عدول مجتهدین در هر عصر بهمان نهج مطبوع در

صفحه مخصوصه که ملاحظه فرموده اند قبول مجلس و درج نظامنامه شده است لهذا تلگرافاً بذل شفقت و تحسین فرموده اند و محض مزید اهتمام در جلوگیری منحرفین از جاده مستقیمه الی یوم القیمه، افزودن فصلی دیگر خواسته اند که الحق شرط عاقبت اندیشی و مآل بینی را بجای آورده در جه تیقظ و تفظن خودشان را در خور هزار آگونه تمجید و تشکر قرار داده اند. لازم است عموم مسلمانان عین عبارت تلگراف آن بزرگواران را قرائت کنند و مقام غمخواری و پاسداری ایشان از شرع نبوی (ص) و حفظ اسلامیت مجلس شوری که منشأ مهاجرت داعی و این هیئت مقدسه است مستحضر شوند اگر چه صورت تلگراف مطابق تاریخ و امضاء تلگرافخانه محفوظ است ولی از حسن اتفاق رغباً لمن ینکره امروز که دهم شهر جمادی الثانیه است عین صورت مزبوره در صفحه ای که مطرز بخط حججین آیتین و مشرف بعین خاتم شریف ایشان است بتوسط پست مقرر واصل شد هر کس بخواهد، زیارت میتواند نمود و عکس او هم منتشر خواهد شد.

حرر عن الداعی فضل الله نوری

(در زاویه مقدمه حضرت عبدالعظیم بطبع رسید)

روز ۱۳ رجب ۱۳۲۷ هجری قمری مرحوم شیخ فضل الله نوری
بدست دژخیمان استبداد و استعمار به فیض شهادت نائل شد و بعد از
گذشت هفتاد و چهار سال این خون مقدس و خون هزاران شهید دیگر به نمر
نشست و در سنت در همان روز مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳ رجب
۱۴۰۰ هجری قمری با پیام حضرت امام افتتاح گردید.

رتال جامع علوم انسانی

(منطبعه در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم ۲۶ جمادی الثانیه ۱۳۲۵)

صورت جواب مکتوب یکی از فضلاء مهاجرین نجف اشرف است که آن مکتوب را از آن مرکز مقدس بظهران بمنوان جناب مستطاب فقه الاسلام والمسلمین آقای حاجی ملا محمد علی مجتهد رستم آبادی ادام الله برکاته نگارش داده و تقاضای تشریح حق و باطل و علت عدم مساعدت با مجلس شورای ملی را از ایشان نموده لهذا با اشاره و ازاله حضرت معظم تحریر جواب میشود.

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض میشود اینکه مرقوم رفته بود بندگان شریعتمدار آقای حاج آخوند رستم آبادی دامت افاضاته با آقایان عظام طهران و بزرگان حجج اسلام نجف اشرف در نفاذ مجلس شورای ملی مساعدت و موافقت ندارند عجب است تمام مسلمانان و کافه اهل ایمان امروز باید کسب عقاید اسلام از آن ناحیه نامیه و بزرگان مقیمین مرآن زاویه زاکیه که چشم و چراغ شرع و شریعت اند نمایند طرح و قدح و عدم مساعدت یعنی چه؟ «ز عشق تا بصیوری هزار فرسنگست» بلی چیزیکه علت تامه این آوازه ها شده مپابنت کلی عقاید حقه حضرت حاج آخوند است با این مجلس شورای ملی که در بدایت امر و اول تأسیس این اساس شهرتها و جلوه ها در انظار عامه مسلمانان دادند که مقصود از تشکیل این مجلس رفع

ظلم و تعدیات حکام و ولات ولایات و اجرای احکام شرعی و اعلاهی کلمه حقہ اسلامیہ و اتہدام استبداد و شہوات نفسانیہ دولت و تسویہ حدود و حقوق مسلمانان در اوامر و نواہی شرعیہ و انتظامات کلیہ است، بدیہی است با اینگونہ بیانات شافیہ و محاسن وافیہ ہر یک از افراد و احاد مسلمانان بچہ شوق و شفعی مساعدت و مقاومت در اعلا و اجراء این مجلس خواهند نمود و محامد و مدایح آنرا بچہ درجہ بگوش استماع علمای اعلام و بزرگان آن ناحیہ عرش احتشام کہ حافظین ملت بیضای اسلام اند خواهند کشید یعنی باین لطائف الحیل و مکاتبات و مخابرات متوالیہ کہ (یتبع بعضها ببعض) لا یقطع ترویج و تشدید مبانی مجلس و تجلیل و توقیر این اساس جدید مینمایند تا بجائی توصیفات و تمجیدات در مخابرات صادرہ از آقایان عظام نجف اشرف منتشر و مشہرگشت کہ صریحاً و جہاراً مخالف مجلس را از ربقہ اسلام خارج و از اہل ضلال شمردند و بدین وسائل و رسائل کافہ مسلمین را آامن شدوند متوجہ و شایق باین مجلس نمودند کہ در روزنامہ جات توأم کعبہ محترم و قبلہ عبادت خلق نگاشتند (کسراب بقیمۃ یحسبہ الظمان ماء) تا این اوقات بعضی از آقایان فخام متقی و پرهیزکار و ہوشمند و شرع شعار کہ دامن زہد و قدس ہر یک از لوٹ اغراض و امراض شہوات نفسانیہ و جذبات دنیویہ از حب مال و جاہ پاک و پاکیزہ بود بمرور معایب و مفسد آن را از اطراف و جوانب مکشوف داشتہ از ہر کناری لطمہ باسلام دیدند و از ہر گوشہ نغمہ شنیدند کہ رخنہ ہا در دین میکنند و شیرازہ ہزار و سیصد سالہ آئین مبین محمدی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را بہ بیانات دلفریب نرم و لین و مکاتیب جذاب و دلنشین عنقریب بطوری از میان میبرند کہ اگر دین را بصاحب دین عرضہ دارند ابدأ از خود نداند و بر اسلام باید گفت السلام کہ اول مرتبہ داستان آزادی و حریت بیان و بنان را پیش کشیدند کہ ہر کس ہر چہ خواہد بگوید و ہر چہ خواہد بنویسد نعوذ باللہ تعالی از سوء خاتمہ این کلمہ ملعونہ کہ آتش فتنہ آن چون بالا گیرد عالمی را فرا گیرد چنانکہ اکنون کہ بدایت امر است طبع روزنامہ جات و درج اکاذیب و اباطیل درآنها و نگارش مفتریات و شنایع از طعن و طنز باسلام و سب و شتم علمای اعلام و تشییع فواحش و منکرات برای مسلمانان و تصویر علمای راشدین بصور سیاع و درندہ گان و انحراف عقاید اسلامیہ عامہ از جادہ مستقیمہ و تحسین و توصیف حریت و آزادی از ہفتاد الی ہشتاد مرکز (کتطایر الکتب فی یوم النشور) بجائی رسیدہ کہ گویا کریمہ مبارکہ (ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنہ مسؤلوا) را در قرآن مجید ندیدہ و یا خط

نسخ کشیده و با این شیادی و قلاشی و شعبده بازی و نیرنگ سازی که پیاپی تشریح و تدوین میشود همگی دادمسلمانی و فریاد معدلت خواهی دارند. گر مسلمانی از اینست که حافظ دارد. آه اگر از پی امروز بود فردائی. بخدای قادر قاهر از روز تشکیل این مجلس نه بقانون سابق مسجد و منبری و نه صلوة جماعتی و نه دوره درس و بحثی و نه امنیت و آسایش مگر غیبتها و تهمت‌ها و اضاعة صلوات و اتباع شهوات این یکی از فوائد قهریه مجلس نتیجه دیگر عنوان مساوات و برابری در حدود و حقوق میانه مسلمانان و سایر فرق اهل ذمه و غیره که اشتها و انتشار داده اند تا بحدیکه در شب جشن مجلس که لیلہ مبارکه جمعه ۱۵ جمادی الثانیه و شنبه ۱۶ بود و بلند جشنی گرفتند که تمام ملل و ادیان از داخله و خارجه و یهود و نصاری و طبقات فرنگیها و مادامها خاصه بابی مشربها و طبیعی مذهبها در جشن مزبور حاضر بودند و مخصوصا گبرها و ارامنه و یهود طاقها بسته و مزین ساخته نشسته بودند و فرنگیها همگی بحضرات آقایان حجج و علما اعلام حاضره مؤسسه این مجلس دست داده و تهنیت و تبریک میگفتند بدین کلمه که (زنده باد آزادی پابنده باد مشروطه) در این جشن در بالای سردرب مجلس بخط جلی نوشته بودند که (زنده باد برادری و برابری) در سرتاق فرقه مجوس در همانشب که شربت و شیرینی گذاشته بودند و مردم صورت مسلمان نشسته و میخوردند بخط اجلی نگاشته که (زنده باد مساوات) و همی سرودند که (زنده باد ملت زردشت) ای مسلمانان چشم اسلامیان روشن باد حضرات طایفه ضاله بایه که سالیان دراز در پرده خوف و خفاو غایت تقیه بودند میدان و فرصتی بدست آورده در رزمگاه خیالات فاسده خود جولانی دارند و طبیعی مذاهب عیش و کامرانی مینمایند حضرت شریعتمدار حاج آخوند معظم که در اول مقدمات کار بنظر دوربین (المؤمن ینظر بنور الله) سوء نتایج آنرا مشهود داشته تکذیب تشکیل این مراتب را مینمودند پس از آنکه کار باین مفاصد و شناع رسید از آقایان مؤسس این داستان بکلی منحرف گشته سوء اقداماتشان را صورت جلی میفرمایند ولی با آقایان عظام حجج اسلام مقیمین نجف اشرف که حاملین دین مبین اند سخنی بسوء ادب و خلاف تجلیل و توقیر ابدا عنوان و اظهار نفرمودند و مخابرات تلگرافی که از نجف اشرف در تشریف و تشیید مجلس مخابره میفرمودند یا از اصل معمول و بی اصل بوده و یا بذکر محاسن و مدایح مجلس چنانچه در بدایت امر شبهه نموده باز شبهه کرده تحصیل این تلگرافات میشود، لاجرم امروز که حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاجی شیخ فضل الله

دام ظلّه العالی در آستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام با جماعتی از حجج اسلام و مجتهدین عظام و حافظین آیین خیر المرسلین دامت برکاتهم و کثیری از اهل علم و افاضل طلاب و متدینین حفظهم الله معتکفند متفق بر ضلالت این مجلس اند و الحق با الهام حق، حق میگویند حضرت ثقة الاسلام حاج آخوند بآواز بلند میفرماید (فلیعبدوا رب هذا البيت) حضرت مستطاب شیخ معظم شید الله انصاره را صاحب کلمه حق و ناصر و حامی اسلام میدانند و مجلس حالیه را ضال و مضل میخوانند مگر بقانون شرع اقدس محمدی صلی الله علیه و آله و سلم تسویه و تصفیه نمایند.

آگراز کوشه و کنار مردم هوشمند بردبار ایراد و اشکال نمایند که اگر این مجلسی ملی مورت این تجلی و مضار مقرر و مفسد مدونه بود علمای راشدین و هوشمندان باز هندو یقین و بلکه عامه مسلمین که هر یک در مهد اسلام پرورش یافته و اشعه انوار خدایپرستی بسالیان دراز بر آنها تافته چگونگی رضا و امضا دادند و بخلاف قانون احمدی این اساس نهادند سخنی است بظاهر صواب و مسئله در بادی نظری جواب ولی برادر من — چه توان کرد در این شهر دو صد طراند، که کله از سر خورشید فلک بردارند — در بدایت امر که این داستان در میان کشیدند وصیت معدلت خواهی و اعلاء و اجرای حقوق و حدود رعیت بر سلطان و سلطان بر رعیت پیشنهاد نمودند باستثناء بعضی از بزرگان و معدودی از شیادان و صیادان آیین مبین مردم بیچاره مسم رسیده و رعایای سالها از دولت رمیده که از تخطیات و تحمیلات ولات ولایات و اخذ مال و منال دیوان با ضعاف مضاعف و تظافر و تراکم رنجهای صادره سلطنتی که بجان و هیجان آمده بودند یکمرتبه اجتماع و اتفاق نموده مشروطه طلب و مجلس خواه شدند دیگر نگفتند «این شتر صالح است یا خردجال» پس از آنکه ترتیب مجلس دادند و قرعه انتخاب و کلا و جلسا پیش نهادند و شروع در تحریر اساس و درج قواعد معلومه نمودند و مساعدت فرنکی مآبها را دیدند و موافقت فرقه بابیه ضاله را با آنها شنیدند که مجلس (پارلمنت) پاریس را منظور و مأمول دارند و متدرجا مقاصد سخیفه خود را همی خواهند گذارند و تمکین از الحاق کلمه مقدسه مشروعه با مشروطه ندارند بعضی از آقایان جلیل با علم و دانش و مسلمانان با رأی و بینش که از سر چشمه حیات شان شاداب و کامیاب بودند ناگهان چشم گشودند و مقاصد پندگان حضرت حجة الاسلام شیخ معظم دام ظلّه و تصریحات ملازمان آقایان عظام حاضرین زاویه مقدسه را که صاحبان درجات قدسیه و مقامات بلند علمیه اند بدل و جان خریدند و متابعت و

مجاهدت در طلب تسویه و تصحیح این مجلس بقانون شرع اقدس مینمایند که خدایشان نصرت دهد و اگر بدین ملک حالیه و نتایج مالیه و سوء مقدمات و انتشار روزنامه جات و انهدام حقوق و شئون بزرگان و هتک حدود شرعیه و اندراس شرائط اسلامیہ کارپیش رود چنانکه الساعة و امروز نهایت استعداد در کار و گذار دارند. باز عرض میکنم که علی الاسلام السلام که بغایت خصماء دین و طبیعین دیرین و سایر فرق مختلفه در کمین و منتظر وقت و فرصت اند همینقدر بدانید و در پیشگاه بزرگان و حاملین شرع متین بنمائید و بتکلیف ایزد تعالی بعرض رسانید. بخت حافظ گراز اینگونه مدد خواهد کرد، زلف معشوقه بدست دیگران خواهد بود. خاتمه سخن را در این مقام بهمین اقتصار دهم که مدلول کلام آقایان مؤسسين این اساس این است هذا المجلس یامر بالعدل و الاحسان و کل مجلس یامر بالعدل و الاحسان مفترض الطاعة فهذا المجلس مفترض الطاعة کلّویة کبری مطاع و مسلم ولی بالله و الصغری (کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتریه مصفراً ثم یکون حطاماً و فی الآخرة عذاب شدید) که بیم آنست بابقاؤه و اعلاء این صغری بمهالک کبری در آتیه گرفتار و برجوع قهقری بجاهلیت اولی دچار، کار بجائی رسیده که از اصحاب عمایم بنعائم صفات و سوء اعتقادات متصف اند رسائل و براهین مششومه بمشروطیه الوهیت و مراتب ربوبیت مینگارند (تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیراً) گاهی در جرائم سراپا جرایم خود کلمات الوهیت آیات مقدسه پیغمبر خاتم را که انبیاء با آنقدر و جلالت مقدمه الجیش معسکر رسالتش بودند نستجیر بالله ناشی از بخار شیر شتر و گوشت سوسمار نگاشتند و گاهی ولی عصر و امام زمان ارواحنا فداه را در عداد مسائل موهومه گذاشتند گاهی آیه مبارکه حجاب را بوضع مخصوص که مهیج و مشهی باشد تفسیر نمودند و گاهی مردم ضعیف العقیده و عوام کالانعام را بمحاسن و فواید خمار خانها و افتتاح بیوتات فواحش تقریب و ترغیب نمایند (فویل لهم مما کسبت ایدیههم و ویل لهم مما یکسبون) سایر مفاصد و مهالک و شیوع قتل و غارت و تزییع نام و ناموس مسلمانان در اطراف بلاد و اضطراب و تزلزل قاطبه عباد خاصه در نواحی آذربایجان از شهر تبریز و اردبیل و غیرهما و حدود فارس و کرمانشاهان و نهاوند و القاء شبهات و اختلافات بین این مردم بیچاره باخذ نتایج نیات فاسده خود که راه زنان دین و دولت لاینقطع در کارند «گر نویسم شرح آن بیحد شود» مگر اکنون که بند را آب برده و فریب حریت و آزادی را خورده حتی الامکان مقالات خیر خواهانه منطبعة حضرت حجة الاسلام شیخ والامقام و سایر حجج الاسلامیه مجتهدین

عظام که در زلویة مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه السلام بطبع رسیده بجان و مال از آقایان عظام و حجج اسلام نجف اشرف و غیره شیدالله احکامهم که پاس بیضه اسلام و وقایه حدود و احکام سید امم علیه الصلوة والسلام مینمایند بطوریکه در مطبوعات مقاصد ایشان قرائت و درایت خواهند فرمود انشاءالله تعالی بموقع اثبات و اجرا گذاشته بمفاد (والذین جاهدوا فینا لنهذبینهم سبلنا) ارکان شرع نشر و شریعت مشید و منصور گردد انشاءالله تعالی.

محمد بن علی بن الحسین فی (المجالس) ... عن جابر، عن ابی عبد الله الصادق علیه السلام قال جاء «أخی خ ل» رجل الی رسول الله صلی الله علیه وآله فقال: یا رسول الله انی راغب فی الجهاد نشیط، قال: فجاهد فی سبیل الله فانک إن قتل کنت حیا عند الله ترزق، وإن تمت فقد وقع أجرک علی الله وإن رجعت خرجت من الذنوب کما ولدت...

پرو. نگاه علوم انسانی و مطالعات فلسفی و فقهی
رسال جامع علوم انسانی
«وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۱۲»